

چشمه نور

www.ketab.ir

مفسر مشکی

مشگی، محسن، ۱۳۴۳

چشمه نور / نویسنده: محسن مشگی - قم، زلال کوثر، ۱۳۸۵

۳۲۰ ص

۱. محمد ﷺ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. کلمات قصار
۲. محمد ﷺ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. احادیث اخلاقی

الف. عنوان

چ ۵ / م ۵ / ۱۴۲/۵ BP

■ چشمه نور

□ مؤلف: محسن مشگی

□ ناشر: زلال کوثر

□ نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۵

□ لیتوگرافی چاپ و صحافی: زلال کوثر

□ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه قیمت: ۲۰۰۰ تومان

■ مرکز پخش: قم، تلفن ۶۶۱۲۶۲۳ - ۰۹۱۲۵۵۱۰۰۸۱

□ شابک: ۹۶۴-۷۸۹۹-۴۸-۳

فهرست مطالب

مقدمه.....	۲۷
------------	----

فصل اول: یا علی

فرو خوردن خشم باعث چشیدن طعم ایمان است.....	۳۷
نیکوئی وصیت هنگام مرگ.....	۳۸
برترین جهاد.....	۳۸
نکوهش بد زبانی.....	۳۸
بدترین انسان ها - مردم آزاری.....	۳۸
بدترین انسان ها - فروش آخرت به دنیا.....	۳۹
نیکوئی پذیرفتن عذر دیگران.....	۳۹
نیکوئی دروغ مصلحت آمیز - نکوهش راست فسادانگیز.....	۳۹
سفارش به حفظ جان.....	۳۹
همانندی شراب خواری با بت پرستی.....	۴۰
عدم قبول اعمال شراب خوار.....	۴۰
حرمت تمام مست کننده ها.....	۴۰
شراب کلید تمام گناهان.....	۴۱
شراب و زوال یاد خدا.....	۴۱
ناکامی در مقابله با تقدیرات الهی.....	۴۱
همنشین نیکو.....	۴۱

- ۴۲ ۵ صفات مؤمن.
- ۴۲ ۵ دعا‌های مستجاب.
- ۴۳ ۵ مواردی که باعث سبک و حقیر شدن انسان می‌شود.
- ۴۳ ۵ نکوهش شخص لایالی.
- ۴۴ ۵ نیکوئی همراه شدن طول عمر با اعمال نیک.
- ۴۴ ۵ نکوهش شوخی، دروغ، عجله، بی تفاوتی.
- ۴۴ ۵ نکوهش بد اخلاقی.
- ۴۵ ۵ اموری که عقوبت آن‌ها سریع است.
- ۴۵ ۵ اضطراب انسان را به سختی می‌اندازد.
- ۴۵ ۵ آداب غذا خوردن.
- ۴۶ ۵ کسانی که وارد بهشت نخواهند شد.
- ۴۷ ۵ کافران امت پیامبر ﷺ.
- ۴۷ ۵ مواردی که ولیمه دادن در آن‌ها پسندیده است.
- ۴۸ ۵ مواردی که مهاجرت در آن‌ها نیکو است.
- ۴۸ ۵ سه مورد از مکارم اخلاق.
- ۴۹ ۵ اهتمام به اموری که از دست می‌رود.
- ۴۹ ۵ مواردی که خداوند برای امت پیامبر ﷺ ناپسند شمرده است.
- ۵۱ ۵ آفت شرافت.
- ۵۱ ۵ ثمره ترس از خدا.
- ۵۱ ۵ افرادی که نماز آن‌ها قبول درگاه الهی واقع نمی‌شود.
- ۵۲ ۵ اموری که موجب صاحب خانه شدن در بهشت می‌شود.
- ۵۲ ۵ برترین مردم نزد خداوند.
- ۵۳ ۵ اموری که عمل به آن‌ها بسیار مشکل است.
- ۵۳ ۵ سه گروه که تحمل نامردی از جانب آن‌ها متوقع است.
- ۵۴ ۵ صفاتی که باعث کمال ایمان انسان می‌شود.
- ۵۴ ۵ سه گروه که مورد لعنت خداوند هستند.
- ۵۵ ۵ سه کار که موجب جنون می‌شود.

- ۵۵ سه مورد که دروغ گفتن در آن‌ها نیکو است.
- ۵۵ سه گروه که همنشینانی آن‌ها موجب مردگی قلب است.
- ۵۶ سه کار نشانه ایمان حقیقی است.
- ۵۶ سه کار که موجب قبولی عمل است.
- ۵۶ سه حالت که در دنیا موجب شادی مؤمن است.
- ۵۷ سه صفت که باید از آن‌ها دوری کرد.
- ۵۷ چهار صفت که نشانه شقاوت است.
- اموری که باعث ارتقاع درجه می‌شوند، اموری که کفاره گناهان می‌شوند، اموری که باعث هلاکت می‌شوند و اموری که باعث نجات می‌شوند.
- ۵۸ معنای «شیر خوار» و «یتیم».
- ۵۹ اموری که اهتمام به آن‌ها لازم است.
- ۵۹ علامات مؤمن واقعی، مؤمن دروغین، ظالم، ریاکار و منافق.
- ۶۰ اموری که باعث فراموشی می‌شود.
- ۶۱ اموری که لذت زندگی دنیا در آن‌هاست.
- ۶۱ اهمیت تواضع.
- ۶۱ کسانی که مورد لعن الهی هستند.
- ۶۲ معنای «مؤمن» و «مسلمان».
- ۶۲ اهمیت دوستی و دشمنی برای خدا.
- ۶۳ مواردی که نباید مرد به خواسته همسر خود عمل کند.
- ۶۳ بی‌اهمیتی حسب و نسب در اسلام.
- ۶۴ مواردی که مصداق مال حرام هستند.
- ۶۴ علمی که باعث جهنمی شدن می‌شود.
- ۶۴ اهمیت عمل برای آخرت.
- ۶۴ نسبت مؤمن و کافر به دنیا.
- ۶۵ نسبت مؤمن و کافر به مرگ ناگهانی.
- ۶۵ دنیا خادم بنده خدا است.
- ۶۵ بی‌ارزشی دنیا نزد خداوند.

- ۶۵ سفرارش به استفاده هرچه کمتر از نعمات دنیا. □
- ۶۶ مذمت چون و چرا در تقدیرات الهی. □
- ۶۶ مبارک بودن مریضی برای مؤمن. □
- ۶۶ اهمیت دادن به دعوت برادر دینی. □
- ۶۷ سفارشاتى به بانوان. □
- ۶۸ خصوصیات «اسلام». □
- ۶۸ مذمت بد خلقی و اطاعت از زنان. □
- ۶۸ مذمت از زبان بعضی زنان. □
- ۶۸ تحسین سبک بارى در آخوت. □
- ۶۹ نکوهش دروغ بستن به پیامبر ﷺ. □
- ۶۹ اموری که حافظه را زیاد می‌کند. □
- ۶۹ محاسن مسواک زدن. □
- ۷۰ انواع خوابیدن. □
- ۷۰ نسبت علی علیه السلام به پیامبر ﷺ. □
- ۷۰ اموری که تحمل آن‌ها خیلی مشکل است. □
- ۷۱ سنت‌هائی از عبدالمطلب که در اسلام باقی ماند. □
- ۷۲ تمجید عبدالمطلب. □
- ۷۲ عجیب‌ترین مؤمنین و دین باوران. □
- ۷۳ اموری که باعث سخت شدن قلب می‌شود. □
- ۷۳ مکانهائی که نباید در آن‌ها نماز خواند. □
- ۷۴ صفات پرندگان و ماهیانی که حلال هستند. □
- ۷۴ حیوانات و پرندگانی که حرام هستند. □
- ۷۴ مورادی که دزدی محسوب نمی‌شود. □
- ۷۴ بیان چند حکم شرعی. □
- ۷۵ بیان حکمی شرعی. □
- ۷۵ مذمت شخص غافل. □
- ۷۵ برتری عالم بر عابد. □

۷۶	برتری عالم بر عابد.....
۷۶	اشخاصی که نمی‌توانند به خواست خود روزه مستحبی بگیرند.....
۷۶	روزه‌های حرام.....
۷۷	اثرات زنا.....
۷۷	شدت حرمت ربا.....
۷۷	شدت حرمت ربا.....
۷۸	اهمیت پرداخت زکات.....
۷۸	اهمیت نماز.....
۷۸	اهمیت حج.....
۷۹	اهمیت حج.....
۷۹	اهمیت صدقه.....
۷۹	اهمیت صلّه رحم.....
۷۹	سفارش به شروع غذا و خاتمه آن با نمک.....
۷۹	اهمیت نزدیکیان.....
۸۰	اولویت داشتن بستگان نزدیک در پرداخت صدقه به ایشان.....
۸۰	اهمیت خضاب.....
۸۱	نیکوئی چند چیز در صورت همراه شدن با چند چیز است.....
۸۱	اعضائی از گوسفند که خوردن آنها حرام است.....
۸۲	مواردی که چانه زدن در خرید آنها شایسته نیست.....
۸۲	شبهه‌ترین اخلاقها به اخلاق پیامبر ﷺ.....
۸۲	ذکری برای ایمنی از غرق شدن.....
۸۳	ذکری برای ایمنی از دزد.....
۸۳	ذکری برای ایمنی از آوار.....
۸۴	ذکری برای ایمنی از هم و غم.....
۸۴	ذکری برای ایمنی از آتش سوزی.....
۸۵	ذکری برای ایمنی از حیوانات درنده.....
۸۵	ذکری برای رام کردن مرکب چموش.....

- ۸۵ □ ذکر برای ایمنی از جادوگر و شیاطین.
- ۸۶ □ عملی برای دفع فضولات شکم.
- ۸۶ □ حقوق فرزند بر پدر.
- ۸۷ □ علامتهای تشویش و اضطراب.
- ۸۷ □ هشدار به پدرها و مادرها.
- ۸۷ □ حقوق متقابل پدر و مادر و فرزند.
- ۸۷ □ ارتباط مناسب پدر و مادر با فرزند.
- ۸۸ □ هشدار به فرزندان.
- ۸۸ □ لزوم جلوگیری از غیبت در مورد برادر دینی.
- ۸۸ □ اهتمام به یتیم نوازی.
- ۸۸ □ اهتمام به یتیم نوازی.
- ۸۹ □ پیامبر ﷺ فرزند دو ذبیح.
- ۸۹ □ تعریف عقل از منظر دین.
- ۸۹ □ توصیف عقل از منظر دین.
- ۹۰ □ فقر، دارائی، تنهائی، عقل، ورع، شرافت و عبادت از نگاه دین.
- ۹۰ □ آفت گفتار، علم، عبادت، زیبایی و بردباری.
- ۹۱ □ امور بی فایده.
- ۹۱ □ اهمیت صلوات بر پیامبر ﷺ.
- ۹۱ □ نهی از نیم خورده کلاغ و شیر.
- ۹۲ □ نکوهش در خواست از انسانهای دون.
- ۹۲ □ توصیف ستمگرترین انسانها.
- ۹۲ □ فضیلت انگشتر عقیق سرخ.
- ۹۳ □ فضیلت معصومین: بر عالمیان.
- ۹۴ □ نسبت بین پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- ۹۵ □ نسبت بین پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- ۹۵ □ سخنی با سلمان.
- ۹۶ □ سخنی با ابی ذر.

۹۶	☐ نهی از درخواست - توصیف بدترین انسانها.....
۹۷	☐ نهی از ورود به حمام عمومی بدون پوشش.....
۹۷	☐ نهی از قرار دادن انگشتری در انگشت سبابه و وسط.....
۹۸	☐ به وجد آمدن خداوند از استغفار بنده مؤمن.....
۹۸	☐ نهی از دروغ و سفارش به راست گویی.....
۹۸	☐ نهی از غیبت و سخن چینی.....
۹۹	☐ نهی از قسم یاد کردن به نام خداوند.....
۹۹	☐ آماده بودن روزی انسان.....
۹۹	☐ نهی از لجاجت.....
۱۰۰	☐ سفارش به مساواک.....
۱۰۰	☐ نهی از غضب.....
۱۰۰	☐ اهمیت انفاق.....
۱۰۱	☐ سفارش به خوش اخلاقی با خانواده، همسایه و دوستان.....
۱۰۱	☐ سفارش به انصاف و عدل.....
۱۰۱	☐ سفارش به راستی در گفتار، ورع، ترس از خدا، گریه بسیار، بذل مال و جان در راه دین خدا، عمل به سنت پیامبر ﷺ.....

فصل دوم: یا اباجر

۱۰۶	☐ جامعیت دستورات دینی.....
۱۰۶	☐ عبادات اعتقادی.....
۱۰۷	☐ سفارش به پیروی از اهل بیت (علیهم السلام).....
۱۰۷	☐ دین، تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت.....
۱۰۸	☐ دو مورد از نعمت های الهی.....
۱۰۸	☐ اموری که باید وجودشان را غنیمت شمرد.....
۱۰۸	☐ کار امروز به فردا مفکن.....
۱۰۹	☐ امید نبستن به آینده.....
۱۰۹	☐ یاد مرگ، فریب آرزوها را باطل می کند.....

- ۱۰۹ دنیا جای ماندن و دل بستن نیست.
- ۱۱۰ نباید «فردا» را جزء عمر بدانیم.
- ۱۱۰ اجتناب از لغزشهای هلاک کننده و تکرار لغزشها.
- ۱۱۱ در مصرف عمر باید بخیل بود.
- ۱۱۱ آینده دست آوردی جز درد و رنج ندارد.
- ۱۱۱ مذمت عالم بدون عمل و ریا کار.
- ۱۱۲ مذمت علم آموزی برای فریبکاری.
- ۱۱۲ ضرورت سکوت درجایی که علم نداریم.
- ۱۱۲ نکوهش دعوت دیگران به نیکی، بدون توجه به خود.
- ۱۱۳ توبه، تواضع در برابر خداوند.
- ۱۱۳ انسان در آخرت ثمر زراعتش را بر می دارد.
- ۱۱۴ مقدرات عالم در ید قدرت الهی است.
- ۱۱۴ گناه در نظر مؤمن بزرگ است.
- ۱۱۵ یاد گناهان، لطف الهی است.
- ۱۱۵ به کوچکی معصیت منکر به بزرگی معصیت شونده بنگر.
- ۱۱۵ گناه مؤمن را دچار نگرانی و ترس از عقوبت می کند.
- ۱۱۶ لزوم یکی بودن گفتار با کردار.
- ۱۱۶ گناه باعث محرومیت از روزی می شود.
- ۱۱۶ لزوم دوری از سخنان بی ربط.
- ۱۱۷ درجات در بهشت به میزان تحمل سختیها در دنیا است.
- ۱۱۸ نماز در نظر پیامبر ﷺ.
- ۱۱۸ ثواب نمازهای مستحب.
- ۱۱۸ نماز به منزله کوبیدن درب خانه خداست.
- ۱۱۹ برکت نماز برای مؤمن.
- ۱۱۹ اهمیت حضور در مساجد.
- ۱۲۰ اهمیت نماز، روزه، صدقه و جهاد در راه خدا.
- ۱۲۰ درجات در بهشت به میزان کیفیت عمل است.

- ۱۲۱ □ اندوهناکی مؤمن در دنیا.
- ۱۲۲ □ برترین عبادتها حزن طولانی است.
- ۱۲۲ □ علامت علم نافع.
- ۱۲۳ □ اهمیت اشک.
- ۱۲۳ □ ترس از خدا در دنیا باعث ایمنی از خشم خدا در آخرت است.
- ۱۲۴ □ ترسناکی از خداوند هنگام انجام گناه باعث بخشودگی آن است.
- ۱۲۴ □ تکیه بر اعمال نیک اشتباه است - خطر تکرار گناهان کوچک - مبارک بودن ترس از خدا هنگام انجام گناه.
- ۱۲۴ □ گناه اگر توبه را به دنبال داشته باشد، مؤمن را بهشتی می‌کند.
- ۱۲۵ □ زیرک در لسان دین.
- ۱۲۵ □ دو صفت نیک که خیلی زود از امت پیامبر ﷺ رخت بر بست.
- ۱۲۶ □ بی‌ارزش بودن دنیا نزد خداوند.
- ۱۲۶ □ پستی دنیا در نظر خداوند.
- ۱۲۷ □ خداوند دنیا را دوست ندارد.
- ۱۲۷ □ بی‌رغبتی پیامبر ﷺ نسبت به دنیا.
- ۱۲۷ □ چگونگی خیر خواهی خداوند برای بنده.
- ۱۲۸ □ آثار زهد در دنیا.
- ۱۲۸ □ اثر و معنای زهد در لسان دین.
- ۱۲۹ □ خداوند از بندگان جمع آوری مال نخواسته است.
- ۱۲۹ □ زهد پیامبر ﷺ.
- ۱۳۰ □ دوستی مال و بزرگی، نابود کننده دین‌اند - فقراء مسلمان در رفتن به بهشت از همگان پیشی می‌گیرند.
- ۱۳۱ □ پرداختن به دنیا قلب و بدن را مشغول خود می‌کند.
- ۱۳۱ □ دعای پیامبر ﷺ برای دوستدارانشان.
- ۱۳۱ □ کردار زاهدین در دنیا.
- ۱۳۲ □ بهره آخرت و بهره دنیا.
- ۱۳۲ □ ارزش گریه نزد خداوند - تعریف زیرکی در لسان دین.

- ۱۳۳ ۵ ثمرات تابش نور الهی به قلب.
- ۱۳۳ ۵ اجتناب از دورویی و یکی کردن ظاهر و باطن.
- ۱۳۳ ۵ نیت اساس فعل است.
- ۱۳۴ ۵ عظمت یاد خداوند.
- ۱۳۴ ۵ خضوع ملائکه در برابر عظمت الهی.
- ۱۳۴ ۵ عظمت هول روز قیامت.
- ۱۳۵ ۵ عظمت زیبایی‌های بهشتی.
- ۱۳۶ ۵ مواردی که باید آرام سخن گفت.
- ۱۳۶ ۵ آداب تشییع جنازه.
- ۱۳۶ ۵ هر چه بگتند نمکش می‌زنند.
- ۱۳۷ ۵ فضیلت عبادت آگاهانه بر عبادت غافلانه.
- ۱۳۷ ۵ طعم حق و باطل - زودگذری شهوات.
- ۱۳۷ ۵ نشانه دین‌شناسی.
- ۱۳۸ ۵ علامت رسیدن به حقیقت ایمان.
- ۱۳۸ ۵ لزوم محاسبه اعمال.
- ۱۳۸ ۵ لزوم رعایت حیاء در مقابل خداوند.
- ۱۳۹ ۵ معنای رعایت حیاء در مقابل خداوند - مقدمات ورود به بهشت.
- ۱۴۰ ۵ اصل در سعتمندی عمل نیک است.
- ۱۴۰ ۵ دعا بدون عمل نیک مؤثر نیست.
- ۱۴۰ ۵ اثر عمل صالح در نسل‌های بعدی انسان.
- ۱۴۰ ۵ انسان‌هایی که خداوند به آن‌ها در مقابل ملائکه مباحثات می‌کند.
- ۱۴۱ ۵ شعور داشتن جمادات.
- ۱۴۲ ۵ اثر عبادت بر جای جای زمین.
- ۱۴۲ ۵ اثر اعتقادات باطل بر عالم هستی.
- ۱۴۳ ۵ گریه زمین در مرگ مؤمنین.
- ۱۴۳ ۵ اهمیت عبادت خالصانه.
- ۱۴۴ ۵ اهمیت اذان.

۱۴۴	اهمیت دینداری در جوانی.....
۱۴۴	اهمیت یاد خدا.....
۱۴۵	تنهایی و سکوت.....
۱۴۵	ارزش انسان به ایمان و تقوی است.....
۱۴۵	نیکی به برادر دینی نیک است.....
۱۴۵	لزوم رعایت تقوی در کلام.....
۱۴۶	کم‌گوی و گزیده‌گوی.....
۱۴۶	نقل شنیده‌ها نوعی دروغ‌گویی است.....
۱۴۶	زبان را زندانی کنید.....
۱۴۶	چگونه خداوند را بزرگ بداریم.....
۱۴۷	اهمیت کنترل زبان.....
۱۴۷	انواع گناهان زبان.....
۱۴۷	نکوهش بد اخلاقی.....
۱۴۷	انواع صدقه.....
۱۴۸	آداب مسجد.....
۱۴۸	فضیلت حضور در مسجد.....
۱۴۹	اهمیت انتظار برای اقامه نماز.....
۱۴۹	اهمیت وضو و رفتن به مسجد.....
۱۵۰	گروهی که خداوند به یاد آن‌ها از گناهان اهل زمین می‌گذرد.....
۱۵۰	آداب حضور در مسجد.....
۱۵۰	ارزش عمل به تقوای عمل کننده است.....
۱۵۱	اهمیت محاسبه - اهمیت حلال بودن رزق.....
۱۵۱	اهمیت کسب حلال.....
۱۵۲	اهمیت تقوا.....
۱۵۲	محبوب‌ترین و عزیزترین نزد خداوند و دورترین شما از عذاب الهی.....
۱۵۲	کمال تقوا به پرهیز از مشتهات است.....
۱۵۳	اطاعت خداوند در تمام احوال برترین عبادت است.....

- ۱۵۳ □ اساس دین ورع و اطاعت الهی است.
- ۱۵۳ □ اهمیت ورع.
- ۱۵۳ □ برتری علم بر عبادت و ورع بر عمل.
- ۱۵۴ □ اهمیت ورع و زهد.
- ۱۵۴ □ اهمیت ورع، بردباری و خوش اخلاقی.
- ۱۵۵ □ قوی ترین، عزیزترین و داراترین مردم.
- ۱۵۵ □ تقوای الهی راه حل نهائی.
- ۱۵۵ □ تأثیر برگزیدن خواست خداوند بر خواست خویش.
- ۱۵۶ □ رسیدن رزق مقدر انسان، حتمی است.
- ۱۵۶ □ در تمام حالات با خداوند باشید، در تمام حالات خداوند با شماست.
- ۱۵۷ □ سفارش به قناعت به روزی مقدر خداوند.
- ۱۵۸ □ کلام نیک در نزد خداوند اهمیت ندارد بلکه سلامت گوینده اهمیت دارد.
- ۱۵۸ □ زیبایی ظاهر و کثرت مال ارزش نیست بلکه صفای قلوب و نیکی اعمال ارزش است.
- ۱۵۹ □ مبدأ تقوای الهی قلب است.
- ۱۵۹ □ چهار خصلت مؤمن.
- ۱۵۹ □ نیت کار نیک را داشته باشید گرچه موفق به انجام آن نشوید.
- ۱۶۰ □ اهمیت حفظ زبان و شهوت.
- ۱۶۰ □ نکوهش تمسخر دیگران برای خنده.
- ۱۶۱ □ نکوهش دروغگوئی برای خنده.
- ۱۶۱ □ اهمیت سکوت و راستی در گفتار.
- ۱۶۱ □ نهی از غیبت.
- ۱۶۲ □ تعریف غیبت در لسان دین.
- ۱۶۲ □ لزوم دفاع از برادر مؤمنی که غیبت او می شود.
- ۱۶۳ □ لزوم دفاع از برادر مؤمنی که غیبت او می شود.
- ۱۶۳ □ نکوهش سخن چینی.
- ۱۶۳ □ جزای سخن چینی.
- ۱۶۴ □ نکوهش نفاق زبانی.

۱۶۴	نکوهش افشاء اسرار.....
۱۶۴	عقوبت قهر و جدائی برادران دینی.....
۱۶۵	نهی از قهر با برادر دینی.....
۱۶۵	قهر نباید بیش از سه روز به طول بی انجامد.....
۱۶۵	نکوهش احترام خواهی.....
۱۶۶	مذمت تکبر و خود بزرگ بینی.....
۱۶۷	راههای درمان تکبر.....
۱۶۷	یکی از راههای درمان تکبر.....
۱۶۷	نکوهش لباس پوشیدن متکبرانه.....
۱۶۸	میزان بلندی لباس مؤمن.....
۱۶۸	راههای درمان تکبر.....
۱۶۸	نکوهش نگهداری لباس بیش از نیاز.....
۱۶۸	بدترین افراد امت پیامبر.....
۱۶۹	نپوشیدن لباس زیبا نوعی تواضع در برابر خداوند است.....
۱۶۹	خوشابحال کسانی که.....
۱۷۰	راههای درمان فخر بر دیگران.....
۱۷۰	نکوهش زاهد نمائی.....
۱۷۰	صفت اهل بهشت.....

فصل سوم: یابن مسعود

۱۷۱	تنها صبر کنندگان وارد بهشت می شوند.....
۱۷۳	صفات صابران.....
۱۷۴	شرح صدر نتیجه تابش نور الهی بر قلب و علائم شرح صدر.....
۱۷۵	ترغیب به زهد نسبت به دنیا.....
۱۷۷	عاقبت دنیا خواهان و آخرت طلبان.....
	جزای عمل نیک، بهشت؛ ترک خواسته ها، دوری از آتش؛ دوری از لذات، آمادگی
۱۷۸	برای مرگ؛ بی رغبتی به دنیا و سبک شدن درد مصیبت است.....

- ۱۷۸ زرو زیور دنیا فریبی بیش نیست.
- ۱۷۸ تأثیر تحمّل سختیها در مورد توجه خدا قرار گرفتن.
- ۱۷۹ زهد انبیاء الهی علیهم السلام.
- ۱۸۱ توصیف خداوند از انبیاء الهی علیهم السلام.
- ۱۸۲ نحوه خطاب خداوند به انبیاء علیهم السلام.
- یکی از معانی زهد ترک حلال است - خداوند بوسیله شخص زاهد نزد ملائک
- ۱۸۳ مباحثات می کند.
- ۱۸۳ صفات منافقان امت پیامبر صلی الله علیه و آله در آخر الزمان.
- ۱۸۴ توصیف منافقان امت.
- هیچ نعمت دنیائی جبران خلود در آتش را نمی کند - توصیف منافقان امت.
- ۱۸۵ توصیف منافقان امت که بدترین بدان هستند.
- ۱۸۶ توصیف منافقان امت.
- ۱۸۶ توصیف منافقان امت.
- ۱۸۷ توصیف منافقان امت.
- ۱۸۷ نحوه برخورد مؤمنان با منافقان در آخر الزمان.
- ۱۸۸ لعنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن منافقان.
- ۱۸۹ توصیف منافقان آخر الزمان.
- ۱۹۰ توصیف آخر الزمان.
- ۱۹۰ توصیف علماء آخر الزمان.
- ۱۹۱ نحوه برخورد با دنیا طلبان از علماء.
- ۱۹۲ نكوهش دشمنی میان امت پیامبر صلی الله علیه و آله.
- ۱۹۳ نهی از علم آموزی برای مقاصد دنیائی.
- ۱۹۴ نهی از قرآن آموزی برای مقاصد دنیایی.
- ۱۹۴ نهی از علم بدون عمل و علم آموزی ریاکارانه.
- ۱۹۵ چگونه همنشین و دوستانی داشته باشیم.
- ۱۹۵ توصیف منحرفین از علماء.
- ۱۹۶ توصیف منحرفین از علماء.
- ۱۹۶ سفارش به ترس از خداوند.

نهی از پرداختن به امور بی ارتباط با خود.....	۱۹۶
نهی از ترک طاعت الهی و انجام معصیت برای تأمین آسایش زن و فرزند..	۱۹۷
سفارش به دوری از دنیا و لذات آن.....	۱۹۷
نهی از تکیه بر اعمال نیک برای نجات.....	۱۹۸
سفارش به قرائت قرآن همراه با تدبیر.....	۱۹۹
نهی از کوچک شمردن گناه یا معصیتی.....	۱۹۹
از اینکه کسی ما را سفارش به تقوا کند بر آشفته نشویم.....	۲۰۰
سفارش به کوتاهی آرزو و انتظار دیدار خداوند.....	۲۰۰
نهی از جمع مال و اموال.....	۲۰۱
توصیف آخرالزمان.....	۲۰۱
عظمت گناه ربا خواری.....	۲۰۲
توصیف آخرالزمان.....	۲۰۲
سفارش به تداوم یاد خدا.....	۲۰۳
توصیف غافلین از یاد خداوند.....	۲۰۳
انجام گناه مانند نوشیدن شراب انسان را از یاد خدا غافل می‌کند.....	۲۰۴
مذمت دنیا.....	۲۰۴
تأکید بر اخلاص در عمل.....	۲۰۵
سفارش به ترک چرب و شیرین دنیا.....	۲۰۵
سفارش به دوری از شهوات دنیا.....	۲۰۶
عمل نیک برای غیر خداوند، ثواب ندارد.....	۲۰۶
دستوری اخلاقی.....	۲۰۷
بسیار عمل نیک انجام بده تا در روز قیامت حسرت نخوری.....	۲۰۷
همواره قبل از انجام گناهان حالت توبه داشته باشید.....	۲۰۸
نهی از بدعت‌گزاری در دین.....	۲۰۸
نهی از اعتماد به دنیا.....	۲۰۹
عبرت از گذشتگان.....	۲۰۹
سفارش به ترک گناه چرا که خداوند در همه حال ناظر است.....	۲۱۰

- ۲۱۰ ۵ سفارش به تقوای الهی در همه آنات.
- ۲۱۱ ۵ شیطان دشمن انسان است پس با او دشمن باشید.
- ۲۱۱ ۵ مواظبت بر ترک حرام.
- ۲۱۲ ۵ مواظبت بر ترک حرام و ترک لذات و شهوات دنیا.
- ۲۱۳ ۵ نهی از خیانت در امانت.
- ۲۱۳ ۵ نهی از بازگو کردن اخباری که علم به آن نداریم.
- ۲۱۴ ۵ خود را برای جلب روزی به سختی میندازید.
- ۲۱۵ ۵ خداوند دنیای کسی را که به فکر آخرت خویش است، تأمین می‌کند.
- ۲۱۵ ۵ چگونگی تجارت آخرتی.
- ۲۱۶ ۵ چگونگی تجارت آخرتی.
- ۲۱۶ ۵ تأثیر ذکر «لا اله الا الله».
- ۲۱۷ ۵ سفارش به دوستی نیکان و عالمان.
- ۲۱۸ ۵ شرک، گناهی بزرگ.
- ۲۱۸ ۵ سفارش به همراهی اهل حق ولو مستلزم تحمل سختی‌ها باشد.
- ۲۱۹ ۵ سفارش به تداوم یاد خداوند.
- ۲۲۰ ۵ سفارش به صفات نیک.
- ۲۲۲ ۵ نهی از ورود به محرمات به خاطر دلسوزی برای زن و فرزند.
- ۲۲۲ ۵ نهی از سفارش دیگران به نیکی و فراموش کردن خویش.
- ۲۲۳ ۵ سفارش به مواظبت بر گفتار.
- ۲۲۳ ۵ سفارش به مواظبت بر نیت.
- ۲۲۴ ۵ روزی ظاهر و باطن انسان بر ملا می‌شود.
- ۲۲۴ ۵ سفارش به ترس از خدا در پنهان.
- ۲۲۵ ۵ سفارش به انصاف.
- ۲۲۵ ۵ سفارش به یکی کردن ظاهر و باطن.
- ۲۲۶ ۵ سفارش بر سخت‌گیری بر خود.
- ۲۲۶ ۵ سفارش به عمل همراه با علم و تدبیر.
- ۲۲۷ ۵ سفارش به راستی در گفتار.

فصل چهارم: وصایای عام

- ۲۲۹ اعمال انسان در قبر همراه انسان هستند.
- ۲۳۱ برترین ها و پست ترین ها.
- ۲۳۴ سفارشات از پیامبر ﷺ که بهشت را به عمل کننده به آن ها وعده داده اند.
- ۲۳۵ برترین ها.
- ۲۳۶ میزان انتظار از نعمات دنیا.
- ۲۳۶ چگونه از خداوند حیا کنیم.
- ۲۳۷ بعد از هر خوشی مشکلی و بعد از هر سختی راحتی خواهد بود.
- ۲۳۸ سفارش به صبر در سختیها و سهل گرفتن امور دنیا.
- ۲۳۹ اعمالی که انسان را بهشتی می کند.
- ۲۴۱ نهی از مجادله.
- ۲۴۱ برترین ها و بدترین ها.
- ۲۴۳ خوشابه حال کسانی که...
- ۲۴۵ سفارشات به استناداران.
- ۲۴۸ صفات و حالاتی که مؤمن باید همواره آن ها را حفظ کند.
- ۲۴۸ بدترین ها.
- ۲۵۰ تدبیر امور عالم تماماً در ید قدرت الهی است.

فصل پنجم: مفردات کلمات رسول الله ﷺ

- ۲۵۳ مرگ بهترین پند دهنده، تقوا برترین بی نیازی، عبادت بهترین مشغولیت و قیامت بهترین پناهگاه.
- ۲۵۳ برترین نیکی ها و بدترین بدی ها.
- ۲۵۴ سفارش به بسیاری یاد مرگ، بسیاری شکر و بسیاری دعا.
- ۲۵۵ پُست حکومتی شایسته زنان نیست.
- ۲۵۵ بهترین دوست.
- ۲۵۵ بدترین مردم.
- ۲۵۶ سفارشات خداوند به پیامبر ﷺ.

- ۲۵۶ □ ماندگاری علم به نوشتن آن است.
- ۲۵۶ □ عوامل نزول بلاى الهى.
- ۲۵۷ □ نهى از سریع راه رفتن.
- ۲۵۷ □ زشتى تهمت به بى گناه.
- ۲۵۷ □ تمجید از گشاده دستی.
- ۲۵۸ □ هنگامى که زندگى بهتر از مرگ است و هنگامى که مرگ بهتر از زندگى است.
- ۲۵۸ □ اشخاصى که سزاوار ترحم هستند.
- ۲۵۸ □ دو آزمایش الهى.
- ۲۵۹ □ تأثیر حتمى نیکى و بدى به دیگران بر قلوب.
- ۲۵۹ □ نهى از سربار مردم بودن.
- ۲۵۹ □ برترین عبادت بدست آوردن روزى حلال است.
- ۲۵۹ □ برترین جهاد، انتظار الفرّج.
- ۲۶۰ □ کسانى از امت که پیامبر ﷺ به حال آن ها غبطه مى خورد.
- ۲۶۰ □ ثمرات بیمارى و ناراحتى برای مؤمن.
- ۲۶۰ □ بدترین حالت نزد خداوند آن است که انسان هر چه را دوست دارد انجام دهد.
- ۲۶۱ □ فرق مؤمن و کافر.
- ۲۶۱ □ بى ارزشى دنیا نزد خداوند.
- ۲۶۲ □ سفارش به چگونگى معامله با دنیا.
- ۲۶۲ □ نهى از تعجیل در طلب روزى از طریق معصیت الهى.
- ۲۶۳ □ نهى از شیون در بلاها و لهو و لعب در خوشى ها.
- ۲۶۳ □ نشانه های راضى بودن خداوند از بندگان.
- ۲۶۴ □ چهار گروه که در نور اعظم الهى جای دارند.
- ۲۶۴ □ چهار امر است که به طور حتم چهار امر را در پی دارد.
- ۲۶۵ □ سؤال کلید علم است.
- ۲۶۵ □ ارتباط با سه گروه نیکو است.
- ۲۶۵ □ برترى علم بر عبادت.
- ۲۶۵ □ نهى از اظهار نظر در مسائل دینى بدون آگاهی کافى.

- ۲۶۶ رضایت انسان از خداوند، رضایت الهی را به دنبال دارد.
- ۲۶۶ سفارش پیامبر ﷺ به ترک شرک، اطاعت پدر و مادر، نمازهای واجب و ترک نوشیدن شراب.
- ۲۶۷ معرفی خداوند توسط پیامبر ﷺ و سفارش به نیکیهای چند.
- ۲۶۸ اشخاصی که خداوند دشمن آنها است.
- ۲۶۹ نباید خود را فقیر نمایاند.
- ۲۶۹ نیم ایمان و نیم از لذت زندگی.
- ۲۶۹ سفارش به اخلاص، خیر خواهی برای پیشوایان و همراهی با جماعت مسلمین.
- ۲۷۰ درجات عبادات و حسنات.
- ۲۷۱ نهی از علم آموزی برای جدال، برتری جوئی و مورد توجه قرار گرفتن - توجه به این نکته که ریاست شایستگی می‌خواهد.
- ۲۷۱ مسیر تقرب به خدا و به دست آوردن محبت او.
- ۲۷۲ بی‌شبهات‌ترین مردم به پیامبر ﷺ.
- ۲۷۲ مذمت بی‌غیرتی.
- ۲۷۳ تعریف قوت و بردباری در لسان دین.
- ۲۷۳ راه گسترش دین سخاوت و خوش اخلاقی است.
- ۲۷۳ اثرات خوش اخلاقی.
- ۲۷۴ انواع دست: در خواست کننده، بخشنده، خسیس.
- ۲۷۴ یکی از مواردی که غیبت کردن جایز است.
- ۲۷۴ اهمیت وفای به عهد.
- ۲۷۴ نگاه به پدر و مادر عبادت است.
- ۲۷۵ پرهیز از چرب و شیرین دنیا نوعی تواضع است.
- ۲۷۵ نزدیکترین امت به پیامبر در روز قیامت.
- ۲۷۶ نهی از تمجید گنهکار.
- ۲۷۶ معنای «بی فرزندی»، «بی مالی» و «قوت» در لسان دین.
- ۲۷۷ نهی از قبول مسئولیت بدون آگاهی به آن.
- ۲۷۷ نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است - غیبت عبادت را فاسد می‌کند.

- ۲۷۸ □ روزه دار اگر چه در خواب باشد در حال عبادت است - غیبت عبادت را فاسد می کند.
- ۲۷۸ □ نهی از شایع کردن گناه - نهی از عیب گیری از مؤمن.
- ۲۷۸ □ از چند گروه توقع انصاف نداشته باشید.
- ۲۷۹ □ علامت های شقاوت.
- ۲۷۹ □ بهره های تان از دنیا را مخفی کنید.
- ۲۷۹ □ دو امر تشکیل دهنده ایمان.
- ۲۷۹ □ نهی از غذا خوردن در بازار.
- ۲۸۰ □ تنها از خداوند در خواست کنید.
- ۲۸۰ □ خداوند هر چه برای مؤمن بخواهد و پیش آورد خیر است.
- معامله خداوند با کسی که تمام همتش برای آخرت است و کسی که تمام همتش برای دنیا است.
- ۲۸۱ □ وعده خداوند به ثواب حتمی و به عقاب اختیاری است.
- ۲۸۱ □ اخلاق چه کسی به پیامبر ﷺ شبیه تر است؟
- ۲۸۲ □ فضیلت شکر.
- ۲۸۲ □ از برترین انواع ایمان دوست داشتن برادر مؤمن به خاطر خداوند است.
- ۲۸۲ □ سفارش به جبران محبت دیگران.
- ۲۸۳ □ چگونگی رفتار با برادر دینی.
- ۲۸۳ □ اموری که احترام به آن ها بر تمام مؤمنان لازم است.
- ۲۸۳ □ بهترین کمک کار برای تقوا.
- ۲۸۳ □ مکافات ظلم؛ زود هنگام است.
- ۲۸۴ □ خوشا بحال کسی که.
- ۲۸۴ □ چگونه دوست خوبی برای مرگ باشیم.
- ۲۸۴ □ نشانه های آخر الزمان.
- ۲۸۵ □ نهی از فال بد، گمان بد و حسادت.
- ۲۸۵ □ کامل ترین و ناقص ترین مردم در عقل.
- ۲۸۶ □ چند گروه که هم نشینی آن ها قلب را می میراند.
- ۲۸۶ □ ذکر آثار برخی از گناهان.

۲۸۷	تعریف اسلام.....
۲۸۷	ثمره برگزیدن خشنودی بندگان بر خشنودی خداوند.....
۲۸۸	خداوند دوست دار اخلاق پسندیده است.....
۲۸۸	کسانی که از عذاب الهی در روز قیامت در امان هستند.....
۲۸۸	آثار ادب الهی.....
۲۸۹	نشانه آخرالزمان.....
۲۸۹	افعالی که باعث نزول بلا می شود.....
۲۹۰	نسبت مؤمن و کافر به دنیا.....
۲۹۰	نشانه آخرالزمان.....
۲۹۱	نشانه آخرالزمان.....
۲۹۱	احتیاط در اعتماد به مردم.....
۲۹۱	ارتباط عقل و دین.....
۲۹۱	درجات انسان به میزان عقل اوست.....
۲۹۲	اجزاء عقل کامل.....
۲۹۲	نشانه های شخص عاقل.....
۲۹۳	مؤمن ذاتاً دروغگو و خیانتکار نیست.....
۲۹۳	محکم ترین قلعه های ایمان.....
۲۹۴	سعادت مندترین انسانها راضی ترین آنها نسبت به خواست خداوند است.....
۲۹۴	سفارش و تأکید بر حفظ زبان.....
۲۹۴	ثمرات کار خیر، صدقه پنهانی و صلۀ رحم.....
۲۹۵	رژنده پوشی در حال دارائی مذموم است.....
۲۹۵	ترغیب به پرسش نیکو و مدارا با مردم.....
۲۹۵	زیاده خواهی و آروزی طولانی با دوام ترین صفات بد.....
۲۹۶	اموری که در قیامت بدون شک از همگان پرسیده خواهد شد.....
۲۹۶	صفات یک مؤمن واقعی.....
۲۹۷	تمام شئون مؤمن محترم است.....
۲۹۷	اهمیت صلۀ رحم.....

۲۹۷	تعریف ایمان.....
۲۹۷	نوعی از صدقه.....
۲۹۷	امری که باعث خروج از دین خداوند می‌شود.....
۲۹۸	آثار ترک گناه، ترس خدا، رضایت از خدا، طلب حلال، و زهد در دنیا.....
۲۹۹	اعتدال بین ریا و حیا.....
۲۹۹	نشانه کسی که از اُمت پیامبر ﷺ است، از مؤمنین است و از اهل بیت علیهم السلام است.....
۲۹۹	چگونگی مواجهه با مرگ عزیزان.....
۳۰۱	نشانه‌های آخر الزمان.....
۳۰۱	فضیلت کمک بر حل مشکلات مردم.....
۳۰۱	حق طلبی و چشم پوشی.....
۳۰۲	ثمرات کسب حلال، رضایت به روزی کم، دنیا طلبی، زهد - نشانه‌های آخر الزمان.....
۳۰۳	پرهیز از نفاق.....
۳۰۳	بردباری بر جفای خلق.....
۳۰۳	موارد نیکوکاری در لسان دین.....
۳۰۴	حدّ تقوا.....
۳۰۴	ثمرات دوستی پیامبر ﷺ و اهل بیت او علیهم السلام.....
۳۰۶	فهرست موضوعی.....

مقدمه

خداوند متّان را شاکریم که بار دیگر توفیق را همراهمان کرد و توانمان بخشید تا بتوانیم قدمی کوچک (از آن جهت که ما برداشتیم) و قدمی بزرگ (از آن جهت که موفق به فراگیری دین او و آشنائی با پیامبر او شدیم) در راه شناخت هر چه بهتر ارادهٔ تشریعی او، برداریم.

بر پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد ﷺ آن ذات یگانه و مظهر تام کمالات جلالی و جمالی الهی، خاضعانه و با تمام وجود، درود و سلام می‌فرستیم، که هر چه داریم از نعم مادی و معنوی، ثمره‌ای از شجرهٔ نبوت اوست. مطمئنم جز با الطاف و راهنمائی‌های خودش قادر به پیمودن این طریق و پرداختن به کلمات نورانی آن نور اعظم و راهنمای کل، نبوده و نیستم، که غیر از این هم توقعی از این خاندان که «عادتهم الاحسان و سبیتهم الکرم» است، ندارم.

بر خود واجب می‌دانم که سلامی به خاتم اوصیاء، و وارث انبیاء و اوصیاء داشته باشم. هم او که در این دوران و انفسا تنها امیدمان به توجه و عنایت اوست، آقائی که دردمندانه نظاره‌گر خطاها و تقصیرهای کوچک و بزرگ امت اسلامی بوده و بزرگوارانه با دعاهایش ما را از بلا یا حفظ کرده و دلسوزانه هر روز در کار ماست. «اللهم عجل

لولیك الفرج و العافیه و النصره.

چندی بود در این فکر بودم به طریقی اظهار ارادتى خدمت پیامبر عزیز حضرت محمد ﷺ داشته باشم. تصادفاً (البته از دریچه نگاه من) روزی با متن وصیت آن حضرت به ابن مسعود برخورددم. این کلام به شدت توجه مرا جلب کرد. به منبع آن که جلد هفتاد و هفتم کتاب شریف بحار الانوار است رجوع کردم. با وصایا و کلماتی از رسول مکرم اسلام ﷺ مواجه شدم که یکی از دیگری پر مغزتر و حکیمانه تر بود. تصمیم گرفتم به ترجمه این کلمات نورانی پردازم و عقیده دارم اگر مؤمنی با خلوص و اعتقاد کامل به کلمات این بزرگواران (خاندان وحی) ﷺ گوش جان بسپارد، همان تأثیری که از کلام مشافهی ایشان در قلب مخاطب ایجاد می شده است، در قلب خواننده کلمات نوشتاری آنان هم ایجاد خواهد شد.

نکته قابل توجه در این کلمات (که عین دین است) آن بود که متوجه شدم ما امت پیامبر چقدر از دین اصیل فاصله گرفته ایم و چقدر از دستورات نورانی آن بی اطلاعیم.

چه اتفاقی افتاده که امت اسلام اینچنین دچار غفلت و دور افتادگی از دستورات حیات بخش این دین مبین شده است؟! پاسخ این پرسش خود به تحقیقی مفصل و همه جانبه نیاز دارد که خارج از حوصله این نوشتار است ولی از باب اهمیت این موضوع فقط به ارائه پاسخ هایی اجمالی اکتفاء می کنم. علت اول قطعاً همان انحراف اساسی عالم اسلام از ولئ راستین الهی است که اگر آنچنان نشده بود، اینچنین نمی شد. علت دیگر که شاید تا همین امروز هم به نوعی دچار آن هستیم

تأثیرپذیری و یا در برخی مقاطع خودباختگی امت اسلامی در مقابل فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر است که عمدتاً بشری است.

این تأثیرپذیری (به معنای عام آن) موجب ظهور پدیده‌ای در عالم اسلام به معنای التقاط شده است، به این بیان که: پس از قطع ارتباط دینداران با اولیاء راستین دین که همان پیامبر ﷺ و اهل بیت عصمت و جلال می‌باشند، در امر هدایت امت اسلامی خللی پدید آمد که در پی آن مسلمانان در مواجهه با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر نتوانستند تشخیص درستی از موارد صواب و خطای آنان داشته باشند و به خطا پذیرای بخشی از فرهنگ آنان شدند. البته این اتفاق در عالم تشیع به لحاظ حضور امام معصوم ﷺ و پس از آن وجود مجامع روائی و عالمانی که مسلح به علم به این مجامع بودند، دیرتر به وقوع پیوست. در این مواجهه و انحراف سؤالات و بعضاً شبهاتی برای دینداران ایجاد و موجب نوعی ناهمخوانی بین پذیرفته‌هایشان از تمدنهای بشری از یک طرف و سنت اصیل دینی از طرف دیگر شد. در همین رابطه لازم می‌دانم مطالبی را هر چند اجمالی بیان کنم.

۱- هر انسان منصفی با مطالعه این کلمات تصدیق خواهد کرد که آنچه برای دین اهمیت ذاتی و اولی دارد (از بین دو نشئه دنیا و آخرت) عالم آخرت است نه دنیا و اگر دنیا از ارزش و اعتباری برخوردار است فقط به این خاطر است که اراده الهی به این تعلق گرفته که ما پس از عبور از نشئه دنیا به نشئه آخرت برسیم همین و بس. پس ما در پرداختن به امور و نیازهای دنیویمان باید کاملاً یک چشمان به دستورات دینی بوده و یک چشمان به خودمان باشد که خدای ناکرده

از مسیر هدایت الهی خارج نشویم.

۲- با این بیان، جدال همیشگی بی‌دینان و دینداران مدرن با دینداران سنتی در نوع ارتباط دین با دنیا، اجمالاً پاسخ داده می‌شود. توضیح اینکه اولاً: این گزاره که «دین برای آخرت است نه دنیا»، به یک معنی غلط و به یک معنی درست است. معنای غلط آن، این است که: «دین برای راهنمایی ما در عالم آخرت آمده است» در حالی که در عالم آخرت نیازی به راهنمایی نیست چون در آخرت غیبی نیست، امر پوشیده‌ای نیست، تکلیفی نیست. اما معنای درست آن، این است که دین به هر امری از امور دنیا با توجه به ارتباط آن با زندگی اخروی ما و تأثیر آن عمل و عقیده در کمال و حفظ اخروی ما، پرداخته است. پس دین به امور دنیوی، حتی کوچک‌ترین اعمال ما، چه رسد به امر حکومت و سیاست و... پرداخته است و شاید بتوان گفت اساساً دین به دنیای ما پرداخته است چون در دنیا ما نیاز به راهنمایی داریم نه در آخرت، ولی در تمام این راهنمایی‌ها و دستورات، نگاهش به آخرت بوده است.

۳- دستورات دینی مانند یک ترکیب عمل می‌کنند، و اگر ما از یک ترکیب خاص توقع اثری خاص را داشته باشیم نمی‌توانیم کوچکترین تغییری در اجزاء آن و یا مقدار آن اجزاء پدید آوریم و توقع اثر از آن داشته باشیم. سخنی که گاه گفته می‌شود و از دین توقع اثربخشی در هر فرهنگ و هر تمدن - ولو تمدن ساخته بشر - را دارند، سخن و توقمی بس گزاف و مغالطه‌آمیز است. همانگونه که نمی‌توان در جامعه‌ای دمکراتیک «امر مقدس» داشت، در جامعه‌ای دینی هم نمی‌توان

«حقوق بشر» داشت. همانگونه که لازمهٔ جامعهٔ دموکراتیک حضور احزاب است، لازمهٔ جامعهٔ ای دینی حضور روحانیان در جای جای آن جامعه است. نمی‌توان توقع داشت که تمام نهادها، قوانین، نوع نگرش مردم و.... تغییر یابد و هیچ مطابقت با دین نداشته یا مطابقت جزئی با آن داشته باشد و قوانین دینی پاسخگوی آن جامعه باشد. برای مثال نظامی که اسلام برای خانواده در نظر گرفته است، هماهنگ با حقوق و تکالیفی است که برای اعضاء آن اعم از زن، شوهر و فرزندان در نظر گرفته است. ما نمی‌توانیم خودمان این نظام را تغییر دهیم و از فقه اسلامی توقع پاسخگویی به مشکلات خانوادگی را داشته باشیم.

۴- دین و شریعت به یک بیان حداکثری است و به یک بیان حداقلی. برخی متفکران دینی با مشاهدهٔ گسترش علوم دنیوی و کشف برخی قوانین طبیعت و دست‌اندازی بشر به عرصه‌های مختلف طبیعی به این سمت و سو گرایش پیدا کرده‌اند که دین به حداقل نیازهای بشر در دنیا پرداخته و نسبت به اکثر این نیازها سکوت اختیار کرده و دست بشر را باز گذاشته است. با توجه به کلمات پیامبر ﷺ به این باور خواهیم رسید که دین به تمام نیازهای بشر، با توجه به هدفی که از زندگی دنیوی بشر دارد، پرداخته است و این حداکثری است که بشر مجاز است به آن بپردازد و در مقایسه با آنچه بشر امروز به امور دنیوی و زندگی دنیوی پرداخته است، حداقل می‌باشد. پس دین در امور دنیوی به حداقل‌ها بسنده کرده است و معتقد است که این حداقل‌ها، حداکثر مجازی است که بشر برای رسیدن به کمال مطلوبش به آن نیاز دارد و بیش از آن مانع رسیدن به کمال مطلوب می‌شود.

اگر بخواهیم تبیینی دینی برای این نظریه ارائه کنیم باید به آیه شریفه «فَطَرَتِ اللَّهُ الْأَتَى فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» رجوعی داشته باشیم. با انضمام آیه «فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» به این نتیجه خواهیم رسید که تنها انسان مَفْطُور بر فطرت الهی نمی باشد بلکه کل عالم مَفْطُور به این فطرت است. پس می توان گفت (فَطَرَتِ اللَّهُ الْأَتَى فَطَرَ الْعَالَمِ عَلَيْهَا). اگر این حقیقت را بپذیریم، به انضمام اعتقاد به «توحید» طبعاً به این نتیجه خواهیم رسید که تمام عالم به عنوان «یک کل واحد» از خداوند متعال بر مبنای اراده تکوینی حضرتش صادر شده است و اجزاء همه این کل ارتباطی وثیق و غیر قابل تغییر با یکدیگر دارند که تمام دستورات دینی ناشی از نوع این ارتباط به گونه ای تنظیم یافته اند که تمام موجودات به کمال مطلوب و نهائی خود برسند که همان «إِلَهِ رَاجِعُونَ» است.

(شایان ذکر است که دلیلی نداریم تا صورت فعلی عالم را تنها صورت ممکن جهت صدور از ناحیه باری تعالی بدانیم و لکن صورت فعلی به حکم «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» غیر قابل تغییر می باشد.) پس در افعال خویش به معنای عام باید در حدود شریعت توقف کرده و نه بیش و نه کم به همان حدود اکتفا کنیم.

بعضی افعال انسانی موجب بروز پدیده هائی در عالم می شود که نوعی ابداع و اختراع است که نمونه ای در تاریخ دینی بشر ندارد. در مورد این امور هم ناچار به توقّفیم زیرا: این عالم ماده دارای ملکوتی است که هر پدیده ای در عالم ماده نازل آن وجود ملکوتی خویش است: «سُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ». اگر بشر بدون هدایت ولی الهی که به آن ملکوت آگاه است، دست به ابداع پدیده ای ببرد که دارای وجود

ملکوتی نمی‌باشد، قطعاً آن پدیده وصله‌ای ناهمگون در عالم خواهد بود و وجود و حضور او موجب مشکلات فراوان معنوی برای بشر خواهد شد. پس چون عالم، فطرت واحدی دارد که ناشی از فطرت خداوند است و یکپارچه می‌باشد و این عالم ملکوتی دارد که تمام موجودات عالم ماده دارای وجودی ملکوتی در آن هستند، برای اضافه یا کم کردن دستورات دین و یا ایجاد ابداعات و اختراعات بشری نیاز به ولّی از اولیاء الهی است که عالم به فطرت الله و عالم به ملکوت بوده تا با اجازه او هرگونه دخل و تصرفی در عالم صورت گیرد پس ما در زمان غیاب آن بزرگوران ناچار به توقّفیم.

۵- با مشاهده کلمات پیامبر مکرّم ﷺ ممکن است ابتداءً هراس و تعجّب تمام وجودمان را فرا گیرد که اگر زندگی، دنیا و آخرت اینگونه است که پیامبر فرموده است تکلیفمان بسیار سنگین می‌شود. نه آن زهد را در خود سراغ داریم و نه آن عبادت را و نه آن تحمل را و نه آن معرفت را، پس چه کنیم؟

قرآن مجید پیامبر ﷺ را منذر می‌داند و هدایتگر را کس دیگر می‌داند: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**. شأن پیامبر انذار است و وظیفه منذر بیان نقطه نهائی کمال است، اما اینکه این مسیر کمال را چگونه و به چه شکلی باید پیمود، چگونه‌ای که هر شخصی با توجه به استعدادها و نواقص خود سالم این مسیر را طی کند، وظیفه هادی است. تمام ما انسانها گمیتمان در مورد یا مواردی می‌لنگد و نباید در وضعیت فعلی خودمان را با کلمات پیامبر بسنجیم. این مواردی که پیامبر فرموده‌اند به عنوان نشانه نهائی است که راه را گم نکنیم ولی ما هم نباید به صرف

اینکه با آن هدف فاصله زیادی داریم از پیمودن مسیر ناامید شده و سلوک را کنار بگذاریم. در روایات آمده که هادی این امت امیرالمؤمنین علیه السلام است و با قبول ولایت ایشان هدایت ایشان شامل حالمان خواهد شد ﴿انشاءالله﴾.

رجاء وافر داریم که عامل به این دستورات باشیم. به یقین راهی برای رسیدن به کمال نهائی خودمان جز از این مسیر نداریم.

اگر به این نکته توجه داشته باشیم که این بزرگواران چه زحماتی را برای هدایت و نجات ما متحمل شده‌اند، هیچگاه حاضر نخواهیم شد که با بی تفاوتی از کنار دستورات نورانشان گذر کرده و بعضاً با درک ناقص خود به قضاوت در مورد صحت و سقم آن‌ها بنشینیم.

نکاتی چند در کلمات این آخرین پیامبر الهی، (که درود خداوند بر او و خاندان پاکش باد) توجه هر خواننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

۱- زهد در دنیا:

دین، دنیا و زندگی آنرا محل آسایش انسان نمی‌داند و تأکید هر چه تمام‌تر بر کناره‌گیری از نعمات آن دارد و مکرراً گوش زد کرده که دنیا و آخرت با هم قابل جمع نیستند. به هر اندازه که در این دنیا از نعمات و آسایش آن برخوردار شویم از نعمات و آسایش اخروی، کم می‌شود. ولی نکته حائز اهمیت این است که این عدم بهره‌مندی از آسایش دنیوی موجب عدم بهره‌مندی از آرامش روحی نخواهد شد بلکه بر عکس این دو با هم رابطه معکوس دارند. یعنی هر چه آسایش بیشتر، آرامش کمتر و هر چه آسایش کمتر، آرامش بیشتر خواهد بود.

۲- نقش دین در فرهنگ سازی:

دین فرهنگ خاص خود را دارد و متدین باید با این فرهنگ کاملاً آشنا باشد. فقر، غنی، احسان، عبادت، زهد، عشق، ادب و... در فرهنگ دین معنای خاص خود را دارد و ما با آشنا شدن با آن‌ها به پیام راستین دین خواهیم رسید.

کسانی که در علوم انسانی مایل به تحقیق و بدست آوردن تئورهای اسلامی در این علوم هستند، ضرورتاً باید به این منابع دینی مراجعه کرده و با دقت در فرهنگ‌سازی‌های موجود در این متون به تئورهای اسلامی دست یابند. (البته این تئوریا از آن جهت که از طریق درک ما بدست می‌آیند تئوری هستند و لکن اگر صریحاً توسط خود معصومین علیهم‌السلام بیان شده باشد تئوری نخواهد بود بلکه تبیینی واقع بینانه خواهند بود.)

۳- اهمیت سنت:

یکی از جمله اموری که امروزه از سوی دینداران مورد غفلت و بی‌مهری قرار گرفته سنن مذهبی است. غافل از اینکه سنن مذهبی علامت انحصاری ادیان و فرهنگ‌ها هستند و بدون پرداختن به آن‌ها و نیز حفظ آن‌ها، ادیان و متدینین به ادیان، یا در فرهنگ‌های دیگر هضم می‌شوند و یا خلوص و یکدستی خود را از دست می‌دهند. سنت‌های دینی معمولاً در اموری بکار رفته‌اند که در بدو امر، فاهمه انسان قادر نیست اهمیت پرداختن به آن‌ها و نیز حفظ آن‌ها را درک کند. مثلاً سنن دینی در پوشیدن لباس، خوردن غذا، رفتن به حمام، خضاب کردن، ...

همه اموری هستند که بشر با درک خود نمی تواند فهم درستی از اهمیت و تأثیر آنها داشته باشد. ولی با تأکیدی که دین بر حفظ آنها کرده است در می یابیم که قطعاً نقش کلیدی در حفظ هویت دینی دارند. اخیراً اهمیت برخی از آنها روشن شده است تا آنجا که مشاهده می کنیم کشورهای استعمارگر برای نفوذ فرهنگی در دیگر کشورها ابتدا نوع پوشش و آداب آنها را تغییر می دهند و با این تغییر کاملاً زمینه برای تغییر مفاهیم و اعتقادات آماده می شود.

یادآوری این نکته را لازم می دانم که برای فهم بهتر، عمیقتر و صحیح تر کلمات معصومین (علیهم السلام) همواره محتاج روحانیان وارسته و عالم بوده و هستیم تا مبادا خدای ناکرده با مطالعه کلمات معصومین (علیهم السلام) دچار تفسیر به رأی و یا کج فهمی شده و به بیراهه برویم. علمای دین با احاطه ای که به تمام منابع دینی دارند می توانند فهم ما را از متون دینی تصحیح کنند و دستگیر ما در لغزشها باشند. «کثر الله امثالهم ان شاء الله»

در پایان تذکر این نکته را مفید می دانم که مجموعه حاضر گزیده ای از بخش وصایای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جلد هفتاد و هفتم کتاب شریف بحار الانوار می باشد. این جلد اختصاص به وصایای معصومین (علیهم السلام) دارد و این مجموعه فقط شامل وصایا و مواعظ پیامبر عظیم الشأن است و به ترجمه روایاتی که بصورت تکراری در این مجموعه آمده بود و یا مضامین آن نیاز به توضیح و تفسیر داشت، پرداختیم.

محسن مشکگی

جمادی الثانی ۱۴۲۵